

تسبیح و لذت به عالمی و مکونهای خود را در لب نشاند. خوب است این شعر را
و من را بخواهند. ملکه کمال و زیارتی را در این سیمین شعر نوشته باشند. همان‌طورهای
نیز می‌توانند این را آنچه از عالم و مکونهای خود را در این شعر نشانند. ملکه کمال
و زیارتی را در این شعر نشانند. ملکه کمال و زیارتی را در این شعر نشانند. ملکه کمال
و زیارتی را در این شعر نشانند. ملکه کمال و زیارتی را در این شعر نشانند. ملکه کمال
و زیارتی را در این شعر نشانند. ملکه کمال و زیارتی را در این شعر نشانند.

ارزش فرهنگی و جهانی همکاری متفکران ایرانی قرون وسطی در پیشرفت تمدن عرب

ایران به عنوان سرچشمه لایزال جریان شعری عظیمی پاپی مانده که عطار و مولوی را هم در بر گرفته است. همان‌گونه که جلا، صحت و امانت ترجمه‌های یونانی و (مخصوصاً ترجمه‌های پل دو تارس)^۱ در اثر پیدایش ارزش بین‌المللی مسیحیت به ایات رسیده است، بهمان‌گونه نیز جنبه مذهبی و بین‌المللی تصوف که ترویج روحانیت اسلام را در خارج از ممالک عربی ممکن ساخته، صحت و درستی این روش تبلیغ را ثابت می‌کند. روشی که ایران به مبلغین مسلمان آموخته و یونان هم به مبلغین مسیحی شناسانده است. باید گفت که اگر اسرائیلیان ترقومی نیز که جز به زبان آرامی سخن نمی‌گفته‌اند، پیشوائی آریانی زبان میداشتند، شناخته می‌توانستند در زمینه بین‌المللی تأثیری داشته باشند.

اکنون با استناد به مواردی چند، شواهدی ازانه میدهیم: اولین متفکرین ایرانی که به زبان عربی می‌نوشتند، نه تنها متون ساسانی یا فارسی را ترجمه می‌کردند، بلکه آثار یونانی را نیز به عربی برمی‌گرداندند. در حقیقت، علوم یونانی قبل از ایران نفوذ گرده بود و ایرانیان به پیشرفت یونانیان در این زمینه کاملاً واقف بودند... در این‌زمان، آرامیان به زبان سریانی می-

از لوئی ماسینیون

استاد فیلوزوف فرانس و مدرسه تبعات عالیه سرین
ترجمه دکتر منوچهر بیات مختاری

استادیار دانشگاه مشهد

۲

در اینجا باید متوجه بود که انسان، *اصولاً به* بیان جلوه خداوندی و آن کلام درون الهی^۲ که در اعماق قلبش وجود دارد علاقمند است. سیبیویه نیز، که بزرگترین نحوی زبان عربی بشمار می‌رود، همانند حلاج در بیضای فارسی بدنبال آمده است، در همان دهکده ایرانی که بوسیله اعراب یمنی بنوحریث فتح شده و هم بوسیله آنان اسلام آورده است؛ همانطور که سیبیویه به‌منظور ازانه روش فکری خویش به زبان عربی، اندیشه سامی را پذیرفته است، حلاج نیز برای تحقق قطعیت الهام قرآن، معناً سامی شده است، ولی برای

۱- پل دو تارس Paul de Tarse

شکسته و سپس آنرا صریح و روشن نموده است. همچنین، آنچه را که در زمینه نیاز مذهبی، فردی چون محمد اقبال آشکار کرده است، بخوبی سهم ویژه‌ای را که زبان فارسی در بسط و توسعه دکترین اسلامی داشته است ثابت می‌نماید. ایرانیان به عبادت‌های مذهبی نیاز داشتند؛ و اینکار را بزبان عربی انجام می‌دادند ولی خصائص ویژه نزد ایرانی را نیز در آن وارد کردند.

همانطور که قبل اشاره رفت، نویسنده‌گان عرب ایرانی‌الاصل، چون با کلمات عربی دارای مفاهیم متضاد برخورد می‌کردند، عمدآ، تنها یکی از دو معنی را برای ایجاد مفاهیم فنی انتخاب می‌نمودند؛ و بدین ترتیب واژه‌های فنی تمدن عربی، بوسیله ایرانیان ساخته شد.

مثال دیگر: مجموعه اسماء رنگها، نه تنها برای هنرمندان نقاشی، بلکه در زمینه چینی‌سازی نیز غالباً فارسی می‌باشد.

ما فراتسویان نیز، کلمه «آزور Azur» را بکار می‌بریم که از «لاجورد» گرفته شده است، و یا کلمه «کل queules» که به معنی «رنگ سرخ» است، از «کل سرخ» فارسی آمده است؛ و اما رنگ آبی در واقع موقعیت زیبائی ایرانی را ثابت می‌کند، زیرا همانطور که میدانیم تعداد فراوانی از انواع این رنگ در زبان فارسی وجود دارد. انواع رنگ آبی در اطاقها، گنبدها و شال‌ها، مخصوصاً در دوره شیخ بدران و سلطانیه، واقعاً قابل تحسین و تمجید است. در بغداد، از اوان قرن نهم، فرهنگ علمی اعراب کلمه «آسمان‌گونه» را که همان «آبی آسمانی» است بکار برده است. اعراب نتوانسته‌اند کلمه دیگری برای این رنگ بیابند و کلماتی که می‌بین رنگ آبی بودند بسیار نادر، وسیع و نامطمئن بشمار میرفتند.

در زمینه موسیقی نیز چنین است؛ در این قسمت جز ثوریهای یونانی نامطمئن وجود نداشت. ولی موقعیکه اعراب به مسئله سازهای مختلف که آواز را همراهی می‌کنند پردازند و نتیجه، توضیح دستگاه‌های

۱۳۴۶. مقاصد الالحان. تألیف عبدالقدیرین غیبی حافظ مراغی جاب.

نوشتند و ساختمان این زبان سراسر متأثر از تبلیغات مسیحی بود؛ پس از آنکه ترکیب زبان آرامی شکل ایرانی به خود گرفت، ناگهان تحت تأثیر یونانی واقع شد. و این مترجمین که ملیت ایرانی داشتند به عناصر سامی - آرامی درهم آمیخته بودند، تا حدی آمادگی کمک به تبدیل جدید ارزش بین‌المللی عناصر مسلمان را بزبان عربی داشتند، درست همانند عناصر مسیحی که چنین خدمتی را بزبان یونانی کردند.

نشر این ترجمه‌ها که جلوه‌ای ایرانی در آنها مشهود است، زبان عربی خاصی را تشکیل میدهد. و آنکه، ترجمه به زبان عربی کاری بس مشکل است؛ زیرا، در زبانهای سامی، زمانهای مختلف فعل به عمل ارتباط دارد و نه به عامل. مقصود فردی که سخن می‌گوید یا مورد خطاب است کاملاً مشخص نمی‌باشد؛ مقصود را باید حدس زد و یا آنرا بوسیله اشاراتی فهماند. برعکس، در زبانهای هند و اروپائی، که زمان به عامل منوط می‌شود و در آنها شخصیت دادن به عبارت بسیار پیش رفته است، مسئله انتخاب واقعاً الزامی است: کلمات دارای مفهومی دوگانه و یا متضاد نمی‌باشند، و باید منتظر را توضیح داد و تشریح کرد. بدینگونه، ایرانیان مسلمان، خارج از زبان خودشان، زبانیکه نیایش قلبی را به آن انجام میدادند، حتی موقعیکه هنوز با آن می‌نوشتند، مجبور بودند که دوگانگی مفاهیم اساسی عربی را دریابند. نمونه‌های چند از این مسئله در طی یکی از کنفرانسها در تهران ارائه شده است. و در اینجا منحصراً به تذکری بسیار ساده اکتفا می‌شود: من پیش از آنکه فارسی بیاموزم، عربی آموخته‌ام. بنابراین، در نزد اروپائیان، یعنی آریائیانی چون من، وقتیکه میخواهیم معنی دقیق و مشخص یک ریشه عربی را برای استعمال کاملاً حقیقی دریابیم به یک فرهنگ فارسی مراجعه می‌کنیم؛ زیرا زبان فارسی «انتخاب» کرده است؛ و بخوبی واقعیم که زبان ترکی نیز، در فرهنگ خود، همان مصداقی را استنساخ و اقتباس کرده که زبان فارسی ارائه داده بوده است. زبان فارسی فکر و مفهوم عربی را درهم

۲- ایرانیان هنامات عربی را بنام پرسد و شد می‌نامند. صفحه ۵۵. با تهم آقای تقی بیش.

زمینه تهیه نقشه‌های جغرافیائی میتوانیم سه روش اضافی را در نظر گیریم:

قدیمترین روش به دریانوردان تعلق دارد؛ و عبارت از شیار دنبال کشته‌ها بر روی دریاست که موازی ساحل پیموده میباشد. نتیجه، بوسیله تقارن تقریبی و احتمالی موقعیت، محاسبه اندازه‌های صحیح دریاهای و قاره‌ها بدست فراموشی سپرده میشده؛ فقط انحنا، پیچ و خمبهای خط نشانه علامت‌گذاری میشده.

چنین به نظر میرسد که علم نقشه‌کشی عربی هرگز نخواسته است از این مرحله ابتدائی وصف بنادر، دریاهای و رودخانه‌ها فراتر رود و این نوع نقشه‌های جغرافیائی پورتولان^۴ نامیده میشده.

شیوه دوم همان شیوه منطقی پرتو افکنی است که در نقشه‌های بطلمیوس و منکاتور^۵ بکار «فته و اساساً به یونانیان تعلق دارد.

ولی یک شیوه سوم نیز وجود دارد که بسیار مورد علاقه نقشه‌کشی‌ایرانی بوده است. بخوبی میتوان دریافت که فکر نگهداری مدارک تاریخی که در آنها نقشه «آتشگاهها» را رسم میکردند بفکر مسلمانان صدر اسلام خطور نکرده، بلکه مردانیکه درواقع و باطن جزء متغیر ایرانی بوده‌اند بدینکار مبادرت ورزیده‌اند. باری، روشی که در این اطلس‌ها بکار رفته و اطلس «بلخی» یکی از آنهاست بر شیوه «تقسیمات کشوری» ماضتوار است، مرکز این دایره را مدانن قرار میدادند زیرا پایتحت امپراطوری بود و یا بابل را در آن رسم میکردند بعلت اینکه یادگار بابل کهن بشمار میرفت. سپس دایره مرکزی را با شش دایره هم شعاع آن مفروض می‌نمودند، بدین ترتیب یک زمینه هندسی جالبی بدست می‌آوردنده: وقتیکه دایره مرکزی و شش دایره خارجی دارای شعاع مساوی باشند بر یکدیگر محسس میشوند (مانند چند ضلعی‌های کندوی زبوروان

سیم دایره مرکزی را با شش دایره هم شعاع آن

منظم می‌نمودند، بدین ترتیب یک زمینه هندسی جالبی بدست می‌آوردنده: وقتیکه دایره مرکزی و شش دایره خارجی دارای شعاع مساوی باشند بر یکدیگر محسس میشوند (مانند چند ضلعی‌های کندوی زبوروان

موسیقی که در فارسی «آوازها» و در عربی «مقامات»^۶ نامیده میشوند الزام‌آور شد، از روی اجبار، کلمات و اصطلاحات ایرانی را انتخاب کردند. امروزه، در این زمینه صدھا کلمه وجود دارد که در سراسر جهان مسلمانان اندونزی قدیم و مراکش امروزی گرفته تا ترکیه و هندوستان، آنها را بکار میبرند. در قرن یازدهم نه دستگاه اصلی وجود داشت که در میان آنها فقط سه دستگاه دارای اسمی ویژه‌ای چون نوا، اصفهان و سلمک «راست» بود و این‌سینا و توریهای یونانی در زمینه موسیقی آنها را بکار برده‌اند. بدین ترتیب یک عنصر عینی و تجربی، یک عنصر زینتی و هنری با کلمات فارسی تهیه و تنظیم میشود درحالیکه متن آن بزبان عربی است.

این نقش نبوغ ایرانی بوده است که کلمات و اصطلاحات اساسی یک نظام فلسفی و مذهبی را آشکار کرده و هم آن بوده است که تفوق اسلام را بر ترکستان و هندوستان تأمین کرده است.

علاوه بر آنچه گفت، باز هم فائز ایران و مخصوصاً صوفیان ایرانی نبوده است که تمام مختصات آهنگ و نفوذ موسیقی را بر روی شنوتده ایجاد میکرده و تمایان می‌ساخته است؟ زیرا موسیقی اسلامی منحصر از ضربات موزون تشکیل نمیشود بلکه دارای دستگاه‌های نیز میباشد. «نهادن» که یک دستگاه غمگین است با یک سلسله پرده و نیم پرده مشخص میشود که ادامه آنها بوسیله ایرانیان تکمیل شده و با زبع پرده چنین نمایش داده میشود:

$$4+2+4+4+2+5+3$$

(= خماسی منظم که مقدم بر رباعی نامنظم است)^۷. در واقع این نبوغ ایرانی است که چهره واقعی به زبان موسیقی سراسر جهان عرب داده و در اکمال آن سهم بسزایی داشته است. و اما در

۳- اصطلاحات خماسی و رباعی از فرهنگ ضمیمه کتاب مقاصدالالحان، صفحات ۲۳۷ و ۲۳۸ اقتباس شده است.

۴- تا قرن پانزدهم میلادی منحصر انتقامه‌هایی که مورخ‌استقاده قرار میگرفت دوپورتولان Portulans نامیده منشد و عبارت بود از مجموعه نقشه‌هاییکه دریانوردان از کرانه‌های دریاهای واقیانوسها رسم میکردند و آنها را کنار هم میگذاشتند و نقشه اساسی را بدست می‌آوردند که آنرا پورتولان میخوانندند. در این نقشه‌ها بدون اینکه از داخل سرزمینها و ناهواریها چیزی نشان داده شود قیمتی خلوط مساحتی اکتفا می‌شود و این نقشه‌ها بوسیله ایتالیائیها رسم و موزد استفاده قرار میگرفت.

۵- در نیمة دوم قرن شانزدهم شخصی بنام منکاتور Mercator از اهالی فلاندر در شمال فرانسه مجموعه کاملی از نقشه‌های قاره‌های جهان را منتشر ساخت و برای اولین بار نام اطلس جغرافیائی بدان نهاد. همچنین منکاتور نقشه‌ایکه بر اساس پرتوافکن اختراع کرده بود انتشار داد، این نقشه مخصوصاً برای دریانوردان مورد استفاده بسیار قرار گرفت.

میباشدند. چون آب رودخانه‌ها در همه‌جا جریان نمی‌یابد، بنابراین، در هر جائی نمیتوان شهرهای جدید ایجاد کرد.

هنر ایجاد باغها یکی از شاخص‌ترین مظاهر و جلوه‌های فکر انسانی است؛ در خارج از محل کار، باغ مظہر مکانی است که برای آزادی و جولان فکر جستجو میکنیم. بر حسب چگونگی انگیزه درونی، تصور ما، نمونه باغی را برایان ایجاد میکند... بدینگونه، تأثیرات و تصادمات مختلفی که در سرزمین ایران نقشی داشته‌اند، نمونه‌های گوناگونی از هنر ایجاد باغها را بطرز مطلوب، در این کشور در کنار هم قرار داده و به شکفت انگیز ترین شکلی، نوعی واپسگی آنها را به تمدن مسلمان عربی باعث شده‌اند. قدیمی‌ترین نمونه باغ‌که همان باغ چینی است، از راهی دور و دراز وارد ایران شده است.

باغ چینی اصولاً، مبتنی بر منظره‌ای است که بطور سروشیب به دریاچه‌ای منتهی می‌شود و کشور چین، بطرز جالبی آنرا طرح ریزی و ایجاد کرده است. صاحب باغ بر روی ایوانی می‌نشیند که در مقابل دریاچه تعییه شده است و مشهور به «ماء‌الفلق» میباشد، در میان آن جزیره‌ای مسدود وجود دارد که آنرا «کوه مقدس کمالات هزارگانه» می‌نامند. در این جزیره بعلامت طول عمر، درختان کاج کاشته می‌شود و شبکی شبیه لالک پشت دارد، زیرا در افسانه‌های چینی، این حیوان عجیب، به منزله اولین موجودی است که از اقیانوس، بمنظور تعلیم علم به مردمان خارج شده و اینکار را بوسیله مربع سحرآسانی انجام میدهد که بوسیله ردیفهای کاج بر پشتیش رسم شده است:

۹ ۲ ۴

۳ ۷ ۵

۸ ۶ ۱

بطوریکه ملاحظه می‌شود وقتیکه ارقام این مربع را در جهات مختلف جمع کنیم، عدد ثابتی خواهیم داشت. و این چیزی است که به عنوان اولین مربع سحرآسان نامیده می‌شود؛ برای مردم چین این مربع در وسط مربع فی‌نفسه چالب است. باید گفت که عدد

عسل). نتیجه، شش «ایالت» که هر یک مستقل مشخص شده‌اند در اطراف سرزمین اصلی بوجود می‌آیند. باید توجه کرد که این یک روش جغرافیائی کاملاً قابل قبول است و حدود اطراف آن کمتر از شیوهٔ مرکاتور تغییر شکل می‌باشد. زیرا در شیوهٔ اخیرالذکر، قطب که نقطه‌ای بیش نیست بصورت خطی به درازی خط استوا رسم می‌شود. در حالیکه روش ایرانیان بسیار ابتکاری است و این حاصل طرز تفکر کلدانی و ایرانی می‌باشد. متفکرین ایرانی توانسته‌اند آنرا به جغرافی‌دانان سامی—عربی بقبولانند و جغرافیای عربی را با استفاده مجدد از شیوه‌ایکه اصلاً سامی و کلدانی است بسط و توسعه فراوان بخشنند.

مسئله «باغها» نیز از مواردی است که برای آن اهمیت ویره‌ای قائل هستیم. زیرا، ظاهراً سرآغاز تاریخ بشمریت بشمار می‌رود. در حقیقت، موقعیکه انسان میخواهد خویشتن را از برده‌گی کار و گرفتاریهای بیشمار رها سازد آغوش باغ را برای تفکر انتخاب می‌کند؛ آنگاه که از گرفتاریهای دنیا خارج احساس فراغت می‌کنیم، باغی را در ذهن خویش ایجاد می‌نماییم؛ و آنگه‌ی، تخیل، تقریباً همیشه یک باغ را به عنوان محل مطلوب جولان خود انتخاب می‌کند.

با کمی توجه، مشاهده می‌کنیم که در سرزمین ایران، باغ‌ها همیشه نقشی مهم ایفا کرده‌اند و شاید بهتر باشد که گفتار در زمینه اصالت فکر ایرانی را با توضیحاتی در این باره پایان دهیم. در اینجا، میتوان از برکه‌های مسدود و تمام رودخانه‌هایی که به دریا منتهی نمی‌شوند سخن گفت؛ و باید گفت که تعداد آنها در ایران از حد فزون است. زاینده‌رود که از اصفهان می‌گذرد، رودخانه‌ای نسبتاً عظیم است ولی به دریا نمی‌ریزد؛ فلات ایران چن صحرای عظیمی، اینجا و آنجا، دارای آبادی‌ها و نتیجهٔ باغ‌های محدودی چیز دیگری نمی‌باشد. منظره‌آن از هواییما بسیار دل‌پذیر و جذاب است؛ انسان از روی مناطق سرخ‌رنگی‌گزند و گه‌گاه از انسان از روی مناطق سرخ‌رنگ می‌گزند و گه‌گاه از فراز باغهای سرسیز پررواز می‌کند؛ مثلاً درهٔ شیراز دارای چنین کیفیتی است. و نیز شهرهایی که می‌شناسیم و قدمت آنها از حد فزون است، دارای چنین وضعی

میشود، یادگار آن زمان میباشد. ولی استخرهای رومی هم در باغهای ایرانی میباشند و میتوان گفت که این طرح رومی باغها به منطقه اطلس بوسیله «اقدال هراکشی» و به وسیله «شلیمارها Shahlimar» سرینگار و لاهور تا هندوستان دوره مغول رفته است.

ولی مدتها قبل از آن، کشور ایران که کلمه «فردوس» (بهشت) را نیز مدیون آن هستیم، نمونه‌سومی را در زمینه ایجاد باغها اختیار کرده بود، که نمونه سامی چهار باغ است که به معنی «بهشت نهرهای چهارگانه» میباشد. این نهرها در مرکز باغ و در زمینه بر جسته‌ای دارای حوضی بود به یکدیگر میپیوستند، و این حوض که دارای حوضی بود به یکدیگر میپیوستند، و این حوض وسیله سیر و تماشا بود. چهار نهر از چهار جهت اصلی بسوی مرکز باغ جاری بودند ولی جذبه و لطف اصلی در مرکز باغ نهفته بود. صاحب باغ در کنار این حوض و در میان «خانه باغ» مینشست و تفکر خود را در اطراف آن متعرکز میگرد. در کنار آن حوض گل‌های معطر میکاشتند و پس از آنها درختانی که بتدریج درهم فشرده میشدند و کم کم بزرگتر میگشتد تا دیوارهای باغ امتداد می‌یافتند.

در واقع، رمزی در اینجا نهفته است؛ هر قدر که بیشتر به مرکز باغ نزدیک میشویم، به همان نسبت درختان پریفتر میشوند و کمتر به نظر میایند، انسان دیگر تحریکی به نظاره اطراف خود احساس نمی‌کند و تمام توجه او به مرکز و به سوی سطح آب حوض جلب می‌شود. این همان باغی است که حضرت سلیمان در یکی از جزویات تورات از آن یاد کرده است.

باغ ایرانی همچنین نمونه گویانی از اتحاد و تلفیق اندیشه سازنده ایرانی با خرد کنایه آمیز عربی است. به عنوان نتیجه، یادآوری این مطلب ضروری به نظر میرسد که در سراسر دوره اسلامی، نیوگ ایرانی نه تنها از امکانات بیان زبان عربی نکاسته و آنرا مسخ نکرده، بلکه مفهوم دقیق و نهائی اصطلاحات فنی تمدن را برای آن شکوفان کرده است و به زبان عربی امکان داده است تا نقشی بین‌المللی ایفا کند. کلمه «حق»

۵ همیشه مورد توجه چینی‌ها، مسلمانان و ایرانیان بوده است. ما بخوبی میدانیم که این عدد چه نقش مهمی برای معتقدین به مذهب تشیع تحت عنوان «پنج تن» ایفا کرده است. غزالی نیز در پایان کتاب «المتقى من‌الضلال» خود این مربع را به عنوان یکی از عجایبی که در دوره ژندگی مشاهده کرده آورده است.

و اما ژاپونی‌ها که قادر حس ابداع و ابتکار چینی‌ها بودند، به تغییر شکل باغ چینی اکتفا کرده و برای رسیدن به جزیره پل‌هائی ایجاد کرده‌اند، در حالیکه اساس و فلسفه این نوع باغ، مبتنی بر عدم امکان دسترسی بر جزیره است، زیرا این جزیره «کمالات هزارگانه» میباشد و نیل به آن جز در حالت روحی خاصی ممکن نیست؛ و خداوند باغ که در برآبر این چشم‌انداز مفروز قرار میگیرد قادر چنین حالت ویژه میباشد.

نمونه دوم هنر ایجاد باغ را در باغ رومی مشاهده میکنیم، و همکنی آنرا می‌شناسیم؛ بخوبی واقفیم که کشور فرانسه، تحت تأثیر تمدن رومی قرار گرفته و تمدن لاتینی یکی از وجوده مشخصه این سرزمین است. باغ رومی نمونه هوش، منطق و هماهنگی است. در آن نیز، یک تراس وجود دارد، درست همانند تراس باغ ورسای^۶، و چون بر بالای آن قرار گیریم، بعلت وجود خیابانهای مشجر ستاره‌ای شکل و کانالهای موازی یکدیگر که در فواصل آنها درختانی منظم و پر طبق اشکال هندسی کاشته شده‌اند، تا چشم کار میکند، افق نامحدود در می‌نظر است. در اینجا مشاهده وضعی کاملاً قیاسی هستیم که با منظره بدیع باغ چینی تقاضا اساسی دارد.

در ایران، نزدیک اصفهان و در منطقه‌ای بنام فرج‌آباد باغی است که خاطره باغ چینی را در آن میتوان یافت. ما میدانیم که مغلان به ایران آمدند و در این سرزمین باغهایی نیز ایجاد کردند که طرح آنها از راهی بعید یعنی از خاور دور آورده شده بود. جزیره مسورد بحث در باغ چینی، و نیز ابر کوچکی که در قسمت بالای مینیاتور وجود دارد و بنام «چی Tchi» نامیده

۶- ورسای Versailles یکی از زیباترین باغهای سبک فرانسوی است که در ایجاد آن از روش باغهای رومی الهام گرفته شده است. نقشه آنرا آندره لوئی André Le Nôtre (۱۶۱۳-۱۷۰۵) طراح مشهور فرانسوی زمین کرده است.

می‌شناسیم؛ آنها مجاز شرعی را حقيقة‌تر و رساتر از معنی خاص می‌شمارند. در واقع، معنی مجازی یک کلمه، کلید حل مفهوم نهائی و اساسی آن بشمار می‌رود، زیرا محتوای مطلب را می‌فهماند و آنرا از صورت عاریتی خارج می‌سازد. و این مفهوم مجازی، که نتیجه ویژه فکر ایرانی بر روی اصطلاحات و کلمات عینی عربی است، برای بشریت بسیار سودمند می‌باشد. اگر هوش زمان و مکان را انکار می‌کنند، روح به منظور تعبیر آنها، برای هردو رجحان و برتری قائل است. در اینمورد، تا حدی با مفهوم دیگر، ذکر جمله‌ای بسیار رسا و پرمعتبر از فیلسوف معاصر ندونسل^۷

مقدمه فایده خواهد بود. او میگوید: «مکان چیزی جز توقف در لامکان نیست، زمان هم درنگی در ابدیت است و عشق جز با ادامه در ایهام رمن برقرار نمینمایند.»

که در ابتدا دارای دو مفهوم، یعنی «حقیقت» و «دین» بوده، کم کم فقط برای تعیین «خداوند» بکار رفته است؛ کلمه «رحلت» که برای مسافرت بکار میرفته است، دیگر به «مسافرت ابدی» یعنی «مرگ» اختصاص یافته است؛ درحالیکه این کلمه که در بادی امر بهزیارت مکه اختصاص داشته، مفهوم مسافرت ابدی به خود گرفته است. بالاخره، به علت وجود دیبران ایرانی، کلمه «قبله‌گاه» که معنی چهت نماز و عبادت را داشته در هندوستان مسلمانان که تحت تأثیر معنوی ایران قرار داشت، مقام وعظمت پدری را در زبان فرزندان مشخص

بدین گونه، با بسط و توسعه علم بیان که مبتنی بر ایجاز و اختصار بود و معانی و بیان خالص را استهزا میکرد، ایرانیان سenn کلام عربی را عمیق کرده و مفهوم مجازی کلماتش را اصلاح نموده‌اند. و آنکه‌ی ما آنچه را که فقهای اسلامی «مجاز شرعی» می‌نامند،

۶- علت این امر شاید تأثیر افکار حلاج بوده است.

۷- موریس ندونسل Maurice Nédoncelle فلسفه فرانسوی که به سال ۱۹۰۵ در شهر رو به Raubaix در فرانسه بدنیا آمد. در ابتدای دانشگاهی لیل و استراسبورگ منصوب شد. و در سال ۱۹۵۲ به ریاست دانشگاه اخیر الذکر ارتقاء یافت. آثار مهم او عبارتند از: «فلسفه مذهبی در انگلستان از سال ۱۸۵۰ تا روزگار ما»، «انسان و طبیعت»، «مقدمه‌ای بر تئاتر شناسی»...